

مختصات و ساختار حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن

کریم*

^۱ معصومه ظهیری

^۲ سیدحسن عابدیان

^۳ احمد مرادخانی

چکیده

این پژوهش با هدف بیان مختصات و ساختار حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام در قرآن و روایات نگارش یافته است. ضرورت بحث از این رو است که علیرغم وجود آیات، اخبار و روایات تفسیری متعدد پیرامون حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام و توجه پژوهشگران عرصه مهدویت به این حوزه، به مختصات و ساختارهای حکومت حضرت به طور منسجم توجه کمتری شده و این عرصه می تواند در استخراج راهبردهای مؤثر حکومتی نقش داشته باشد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است و نتایج پژوهش حاکی از آن است که مختصات حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام عبارتند از: عدالت محوری، قانون گرایی، ستیز بی امان با ستمگران و فاسدان، رسیدن اقشار ضعیف به اصول والا و ارزش های متعالی، واژگونی بنیادهای ستم و بیدادگری های فردی و اجتماعی طاغوتیان، انقلاب علمی، فکری و شکوفایی عقول انسانی، فرهنگ سازی جامع و ترویج و تثبیت ارزش های اخلاقی همچون ساختار حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام عبارت است از حاکمیت واحد، ولایت ولی (رهبری)، کارگزاران و حاکمان و والیان.

واژگان کلیدی

حکومت جهانی، امام مهدی علیه السلام، مختصات حکومتی، ساختار حکومتی.

مقدمه

در آئین اسلام، مهدویت مسئله ای اصیل و ریشه دار، با سابقه چهارده قرن است که رنگ کهنگی نگرفته، بلکه با پیشرفت سریع صنعتی و انحطاط اخلاقی بشری و زندگی پر رنج و درد، هر آن و لحظه نیاز بشریت نسبت به وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام بیشتر و نور امید برای

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۹

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران (M_zahiri88@yahoo.com).

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران (نویسنده مسئول) (Mhabet4@yahoo.com).

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران (Ah_moradkhani@yahoo.com).

ظهور آن خورشید فروزان شعله‌ورتر می‌گردد. چرا که از نظر جامعه اسلامی کلیه مفاهیم و معتقدات اصیل اسلامی ریشه در کلام الهی دارد و عقیده به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز یکی از معتقدات اصیل اسلامی است که گسترش جهانی با ایمان اسلامی و پیروزی حق بر باطل و استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی و بالاخره تشکیل مدینه فاضله و حکومت واحد جهانی در میان مسلمانان ریشه قرآنی دارد. به طوری که صورت کلی و مایه اساسی آن در قرآن کریم تجلی یافته است؛ و در باب ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به تمام پیروان اسلام بشارت داده است (انبیاء: ۱۰۵؛ نور: ۵۵؛ قصص: ۵؛ هود: ۸۶؛ اسراء: ۸۱) نویدهای مصلح بزرگ جهانی و بشارت ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف علاوه بر قرآن در تمام کتاب مذهبی ادیان نیز وارد شده است به نحوی که اصالت و حقیقت مهدویت را تایید می‌کنند (تورات، سفر تکوین، فصل ۱۶؛ زبور آیه ۱۱، ۹، ۳۷ و...) روایات ائمه معصومین علیهم السلام نیز ظهور چنین مصلحی را تأیید می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱، ۸۱). لذا در عصر غیبت، یکی از مسائل بسیار مهم دینی برای مسئولان، برنامه ریزان، سیاست‌مداران و پژوهشگران فرهیخته ارتقای فرهنگ و دانش و معرفت افراد جامعه و داشتن برنامه راهبردی مدون برای آماده‌سازی این شرایط باشد. تا جامعه اسلامی را به بالاترین قله‌های عزت و کمال برسانند. این حرکت لازم است در چارچوب ارزش‌ها و معیارهای اسلامی و در مسیری باشد که به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منجر گردد؛ لذا انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که از مهم‌ترین و وسیع‌ترین انقلابات جهانی است و مربوط به همه جهان است، باید در ابعاد مختلف زمینه‌سازی شده باشد زیرا بدون آن به پیروزی نخواهد رسید.

در پژوهش حاضر به مختصات و ساختار حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از منظر قرآن کریم و روایات مرتبط پرداخته می‌شود.

نیاز به نظام و ساختار مناسب حکومتی خصوصاً در جوامع دینی که کارکردهای خاص خود را تا رسیدن به جامعه آرمانی اسلام محور دنبال می‌کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد؛ به بیان دیگر نیاز به حکومت مناسب همواره یکی از نیازهای اساسی جوامع خصوصاً جوامع دین‌مدار بوده است، لذا این امر برحسب اهمیت فراوان خود باید در مبانی دینی مورد توجه قرار گرفته، ساختارهای نظام‌مند آن مورد مذاقه جدی قرار گیرد؛

خداوند تحقق چنین حکومتی را توسط موعود آخرالزمان در تورات، زبور، انجیل و قرآن بشارت داده است (کتاب‌های: سیف الامه و برهان المله (احمد نراقی)، البراهین الساباطیه (جواد ساباط بن ابراهیم ساباط یاسفین حسینی فی الرده علی التصاری)، انیس

الاعلام (محمدصادق فخرالاسلام)، منقول الرضائی (محمدرضا یزدی جدیدالاسلام، دگرگونی‌های ردیه‌نویسی، فصل ۴)، لسان الصدق (سیدعبدالکریم کشمیری)، العقبی الحسان (علی اکبر نهانندی، جلد ۱) که مفصلاً این بشارات را جمع‌آوری کرده است. در قرآن کریم نیز در آیات فوق‌الذکر بشارت ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک و برپایی حکومت جهانی داده شده است.

در این راستا اندیشمندان علوم دینی با استخراج مبانی و ساختارهای مورد نظر یک جامعه مهدوی از بین معارف ناب اسلامی مانند قرآن مجید، به راهبردهای عملیاتی‌ای جهت نیل به حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک در جوامع دست‌یافته‌اند، اما این راهبردها و استخراج مختصات و ساختار حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک از منظر قرآن کریم، عموماً به صورت پراکنده در کتب تفسیری و روایی وارد شده است، لذا این پژوهش با تأکید بر آیات به دنبال دستیابی به مختصات و ساختار حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک از منظر قرآن کریم می‌باشد.

شناخت صحیح حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک و شناخت مختصات و ساختار، از موضوعاتی است که به اصلاح نظام در جوامع و به دنبال آن رضایت مردم و مردم‌سالاری دینی خواهد انجامید. از این روی پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با هدف بیان مختصات و ساختار حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک از منظر قرآن کریم، و در راستای پاسخ به سؤالاتی از قبیل این‌که، آیا در قرآن کریم درباره حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک گفت‌وگویی شده است و به عبارت دیگر چه نوع نظام مهدوی مورد تأیید قرآن کریم می‌باشد؟ این پژوهش درصدد است تا، مختصات و ساختار حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک را با تأکید بر آیات قرآن و دیدگاه مفسرین استخراج و مطرح نماید.

مفاهیم و ادبیات نظری بحث

الف) جهانی‌شدن

درباره جهانی‌شدن، در فرهنگ متداول روز در ذات خود، بحث کم و بیش مبهمی است. علت ابهام آن این است که مفهوم یکسان و یکدستی از آن ارائه نشده است. واژه جهانی‌شدن از یک جهت مفهوم کاملاً جدید و از لحاظی یک مقوله قدیمی به شمار می‌رود. ظهور این پدیده باعث بروز تحرک شگفت‌انگیز اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ارزشی شده و تفاسیر جدیدی از سیاست، اقتصاد، فرهنگ، اقتدار، امنیت و... به دست می‌دهد. جهانی‌شدن در شکل امروزی آن، از زمان فروپاشی کمونیسم و نظام دو قطبی و بالاخره پایان جنگ سرد بیشتر مطرح شده

است (تقوی، ۱۳۸۶ش: ۱۴).

جهانی شدن به معنای فرایندی اجتماعی است که از مدت‌ها پیش آغاز شده و رو به گسترش است و در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می‌رود. واژه جهانی شدن حرکت به سوی یک جامعه جهانی واحد را نوید می‌دهد. در چهارچوب نظریه دهکده جهانی نیز جهانی شدن به مفهوم فشرده شدن جهان و امکان دستیابی جوامع بشری به فرهنگ‌ها و الگوهای زندگی دیگر جوامع است که از طریق تکنولوژی ارتباطات به دست می‌آید.

ب) حکومت جهانی

حکومت جهانی ایده يك اقتدار سیاست مشترك برای همه بشر است، که اقتدار بر سراسر زمین را اعمال می‌کند (زیفناک، ۱۳۹۳ش: ۴۹).

ج) حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام

یکی از مفاهیمی که از همان ابتدا در ارتباط با مهدویت و ظهور منجی آخرین پدید آمد و در شمار عقاید دینی بسیاری از شیعیان در آمد مفهوم حکومت واحد جهانی است به این معنا که با ظهور امام غایب، اسلام که تنها دین الهی و کامل و دارای شریعت جامع است مقبول همگان خواهد شد و در آن زمان ستمگران و جباران از مسند قدرت به زیر کشیده خواهند شد و پس از آن حکومت جهانی اسلام با زعامت و رهبری مستقیم آخرین امام معصوم و عادل برپا خواهد شد و عدالت بر بنیاد دیانت و اخلاق در مقیاسی جهانی اجرا خواهد گشت (منتظری، ۱۳۷۹ش: ۴۷). در برخی از آیات قرآن به این حاکمیت اشاره شده است بی‌تردید، زمانی فرا خواهد رسید که تنها دین حاکم بر جهان اسلام خواهد بود. جهانی بودن دین اسلام و عدم اختصاص آن به قوم یا منطقه خاصی از ضروریات این آئین الهی است و حتی کسانی که ایمان به آن ندارند می‌دانند که دعوت اسلام همگانی بوده و به منطقه جغرافیایی خاصی محدود نبوده است افزون بر این شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سران کشورها؛ مانند قیصر روم پادشاه ایران و فرمانروایان مصر و حبشه و شامات و نیز به رؤسای قبایل مختلف عرب و... نامه نوشتند و به سوی آنان پیک ویژه گسیل داشتند و همگان را به پذیرفتن این دین مقدس دعوت کردند و از پیامدهای وخیم کفر و رویگردانی از اسلام برحذر داشتند. اگر دین اسلام جهانی نبود چنین دعوتی عمومی انجام نمی‌گرفت و سایر اقوام و امتهای هم برای عدم پذیرش عذری می‌داشتند (مصباح یزدی، ۱۳۷۵ش: ۶۹).

د) مختصات

مختصات به معنی ویژگی‌ها، مشخصه‌ها، صفات متمایز و وجوه متمایز آمده است (آبادیس، فرهنگ فارسی معین و عمید).
در این پژوهش به مختصات حکومت عادلانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و ویژگی‌های آن پرداخته شده است.

ه) ساختار

ساختار به معنی قالب، فرم، بافتار، بنا و بنیاد و شکل آمده است (آبادیس، فرهنگ فارسی معین و عمید) و در اصطلاح به ویژگی‌های نظام‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی حکومت که باعث می‌شود تا آنها شکلی از حکومت را به عنوان هویت خود تعریف کرده و خود را با آن بشناسانند اطلاق می‌شود (محمد بندر ریگی: ۱۳۷۷). در این پژوهش به ویژگی‌های يك حاکمیت فراگیر جهانی و عدالت‌گستر در سایه امام معصوم مهدی عجل الله تعالی فرجه و امکان تشکیل «مدینه فاضله» به دست موعود آسمانی می‌پردازیم.

مطالعات پیشین

پیشینه تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع حاضر عبارتست از:
با توجه به بدیع بودن موضوع تحقیق و به رغم جست‌وجوهای فراوان در بین کتب و مقالات، با عنوان تحقیق حاضر، پژوهش جامعی یافت نشد؛ اما مرتبط‌ترین کتب در این مورد عبارت است از: کتاب *امام مهدی از ولادت تا ظهور ترجمه کتاب الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه من المهدی الی الظهور* که اثری گرانسنگ از مرحوم آیت‌الله سید محمدکاظم قزوینی است که بیشتر به زیست و ظهور حضرت پرداخته است.

حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه اثر آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، این کتاب در مورد ویژگی‌های حکومت او بحث می‌کند از کتاب و سنت و روش حکومت جهانی او را نیز طرح نموده و فقط به برخی از عناوین و در آخر به مدعیان دروغین پرداخته است (۱۳۸۰).

کتاب *عصر ظهور* اثر علی کورانی به آیات و روایات و نشانه‌های عصر ظهور پرداخته است.
کتاب *عصاره خلقت* اثر آیت‌الله جوادی آملی در جلوه‌های انتظار و اسرار نهایی غیبت و بُعد فرهنگی انتظار از آثار ایشان استخراج شده است.

کتاب *امید و انتظار* و کتاب *امام مهدی موعود موجود* نیز از آثار ایشان است که بخش انتظار و امام‌شناسی و آثار و برکات ظهور از نقاط قوت این مجموعه است گرچه در بحث مدینه فاضله

بعد از ظهور نیاز به مباحث تکمیلی را برای خواننده باقی می‌گذارد.

کتاب *ویژگی‌های حکومت جهانی حضرت مهدی* اثر سید عبدالطیف سجادی که به شرح و تبیین ماهیت و ویژگی‌های حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و اثبات این حکومت و شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و عدالت در حاکمیت جهانی حضرت اشاره نموده است (۱۳۸۳).

کتاب *جهانی‌شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی* اثر رحیم کارگر در مورد باورداشت مهدویت و مسئله حکومت جهانی حضرت مهدی و ابعاد فرهنگی آن پرداخته است (۱۳۸۷).

کتاب *جهانی‌شدن فرهنگ مهدوی* اثر زینب متقی‌زاده تلاش می‌کند ارتباط میان دو مقوله بسیار مهم و حساس، فرهنگ مهدوی و جهانی‌شدن را بیان کند. این اثر با عناوینی چون کلیات و چارچوب نظری فرهنگ مهدوی و چشم‌انداز آینده بشر، جهانی‌شدن، ویژگی‌ها، ابعاد و پیامدها، چالش‌ها و فرصت‌های فرهنگ مهدوی در عصر جهانی‌شدن در چهار فصل تدوین شده است (۱۳۸۸).

کتاب *بنیان حکومت در اسلام* اثر سید کاظم حائری، که در آن بنیان‌های حکومت از دیدگاه اسلام مورد بحث و بررسی قرار گرفته است اما این کتاب بیشتر مطالب را از نظر فلسفی بررسی نموده و تبیین مطالب نیاز به توضیح و تفصیل زیاد دارد.

در کتاب *پیرامون انقلاب اسلامی* نیز اثر شهید مرتضی مطهری، زوایای مختلف انقلاب اسلامی و رویکردهای فقهی و جامعه‌شناختی آن مورد بحث و مذاقه این اندیشمند بزرگ قرار گرفته بود، که به تحقیق حاضر کمک می‌نمود اما نکته‌ای که در این جا حائز اهمیت است آن است که در این کتاب نیز تنها بحث انقلاب اسلامی مطرح شده است و شواهد قرآنی و روایی در آن زیاد به چشم نمی‌خورد.

در بین مقالات نیز مرتبط‌ترین مقالات با پژوهش حاضر عبارتند از مقاله «تأثیر صورت‌بندی ساختارهای حکومتی در نظام‌سازی اسلامی» اثر هادی طحان‌نظیف که در آن به واکاوی رابطه ساختار و ماهیت در نظام حکومت اسلامی و بررسی تأثیرات این دو بر یکدیگر پرداخته شده است در این مقاله علیرغم بیان مطالب ارزشمند از دانشمندان و نظریه‌پردازان دینی بسیاری از مطالب بدون استناد رها شده‌اند و منبع جامعی برای آنها وجود ندارد.

در مقاله «حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه استراتژی امام خمینی رحمته الله علیه» اثر امید فرحزادی نیز نظریه ولایت فقیه در دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه و تأثیرات آن بر پیشبرد و پیروزی نظام مورد بررسی قرار گرفته، استراتژی ولایت فقیه امام خمینی رحمته الله علیه به عنوان مبنای این نوع حکومت ترسیم گردیده است اما با این وجود نویسنده از سخنان امام رحمته الله علیه در جریان تحقیق

زیاد بهره نبرده است.

در مقاله «ساختار حکومت اسلامی در اندیشه اسلام» اثر سیدحسین هاشمی نیز در ابتدا حق حکومت در نگره اسلام با تأکید بر آیات و روایات مشخص گردیده و سپس ساختار حکومت اسلامی در آن ترسیم گردیده است اما در این تحقیق نویسنده نتوانسته است یک متخصص کلی برای حکومت اسلامی مطرح نماید.

در مقاله «کارآمدی، حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه» اثر محسن رضوانی نیز از جمله آثاری است که با تأکید بر اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه سعی در تبیین راهکارهایی در باب کارآمدی حکومت اسلامی داشته است و در این راستا به مؤلفه‌هایی مانند تمدن‌سازی، حقوق بشر، آزادی و مردم‌سالاری در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه پرداخته است اما نویسنده در این مقاله به درآموزه‌های شیعه، حرکت تاریخی بشر از آدم تا خاتم پیامبران و ائمه پس از آن تشکیل حکومت جهانی مهدوی است. شاخصه‌های کارآمدی حکومت اسلامی اشاره چندانی نکرده است و این از جمله نقایص تحقیق نامبرده شده است.

«جهانی شدن و حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» از دکتر محمدرضا جواهری، «حکومت ولایی زمینه‌ساز ظهور» اثر حامد پوررستمی، «مهدویت پژوهی، دو نگرش مکتب‌واره و دکترینال» اثر غلامرضا بهروز لک، «ویژگی‌های حکومت امام مهدی در قرآن» اثر فاطمه احمدی نژاد و محمد مهدی سلطانی نژاد، «سیر تحول آراء مستشرقان در مورد مهدویت» محسن الویری و زهیر دهقانی آرانی، گرچه هرکدام از کتب و مقالات یاد شده برحسب ساختار خود به موضوعات حکومت اسلامی از دیدگاه‌های مختلفی پرداخته‌اند و از مبانی آیات قرآن کریم نیز بهره گرفته‌اند، اما تفاوت تحقیق حاضر با تحقیقات مرتبط انجام شده در این است که، این پژوهش کاملاً بر مبنای آیات قرآن کریم مختصات و ساختار حکومت جهانی اسلامی را پی خواهد گرفت و، البته در کنار آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام در ذیل آیات، از مباحث جامعه‌شناختی و سیاسی و کتب و مقالات مرتبط نیز بهره خواهد برد.

مختصات حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن

حکمرانی مطلوب و آرمانی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت محقق خواهد شد. در واقع معنای واقعی ظهور، تجلی و بروز تمام کمال حق در عصر ظلمت و تیرگی است، به بیان دیگر روند تاریخ در حال حرکت به سمت نور و نورانیت حق و توحید است.

الف) عدالت محوری

"الْعَدَالَةُ" و "المُعَادَلَةُ" لفظی است که در حکم و معنی مساوات است و به اعتبار نزدیک بودن عدل به مساوات در آن مورد هم به کار می‌رود.

"عَدْلٌ" در چیزهایی که با بصیرت و آگاهی درک می‌شود، به کار می‌رود مثل احکام و عِدْلٌ و "عدیل" در چیزهایی است که با حواس درک می‌شوند مثل اوزان، اعداد و پیمانها.

"عدل" ضد ظلم و جور و هم معنی قسط است، ریشه و مشتقات عدل نزدیک به سی بار در قرآن ذکر شده و این تکرار اشاره دارد به این که قرآن درباره عدل توجه فراوانی دارد.

"عدل" به معنای رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم و تجاوز به کار می‌رود از این رو عدل را به معنی "اعطاء کل ذی حقِّ حَقَّهُ" گرفته‌اند، و برخی در معنای عدل توسعه داده‌اند و آن را به معنای «هر چیزی را در جای خود نهادن یا هر کاری را به وجه شایسته انجام دادن» به کار برده‌اند.

برای عدالت معانی گوناگونی شده که مهم‌ترین آنها از نظر عدالت الهی، بشری، فردی و اجتماعی تعریف ذیل است. «العدل وضع الشئ فی موضعه»؛ عدل یعنی قرار دادن هر چیزی در مکان مناسب خودش. یا «العدل اعطاء کل ذی حقِّ حَقَّهُ»؛ عدالت یعنی دادن حق هر صاحب حقی به خودش (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷). خداوند نسبت به خویشاوندان به عدل، احسان و بخشش فرمان می‌دهد. براساس عدالت اهی برای هرکسی حقی ایجاد شده است و این حق گاهی مساوات و برابری با دیگران را می‌طلبد و گاهی هم تفاوت را لذا عدل به معنای تشابه نیست.

«عدل» به گفته اهل لغت لفظی است که مفهوم برابری و مساوات را در بردارد. در تعریف دیگری، عدل حالتی است بین افراط و تفریط، به گونه‌ای که در این حد وسط زیادت یا نقصانی قرار نداشته و اعتدال کامل مراعات شده. «قسط» نیز به معنای نصیب عادلانه است؛ لذا مفهوم دادگری در آن نهفته است و از آن جهت که در بردارنده مفهوم «اعتدال و حفظ از انحراف و افراط و تفریط» است با عدل هم معنی می‌باشد. البته واژه «قسط» وقتی افاده معنای «عدالت» را می‌کند که در باب ثلاثی مزید «إفعال» به کار رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۵۲).

قسط به معنای تقسیم عادلانه است، و نقطه مقابل آن تبعیض است. ولی عدالت در مقابل ظلم و تجاوز به حقوق دیگران است.

عدالت درباره حکومت و داوری است، و قسط در مقابل تقسیم حقوق است:

إذا حکموا عدلوا و إذا قَسَموا اقسطوا (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ۳۷۷)؛

هنگامی که حکومت می‌کنند، عدالت پیشه کنند و هنگامی که تقسیم می‌کنند، رعایت قسط می‌کنند.

عدل مفهومی وسیع‌تر از قسط دارد.

عدل به مفهوم میانه‌روی و اعتدال و در جایگاه خود قرار گرفتن هر چیز آمده است ولی قسط به معنی ظلم هم آمده است.

واژه قسط بیشتر در امور اقتصادی و توزیع اموال براساس عدالت اجتماعی بین افراد به کار می‌رود که در این جهت هیچ‌گونه تبعیضی نباشد، که در این معنا در مقابل جور قرار گرفته است.

ولی عدل یک معنای عام دارد، که شامل: عدالت در تمامی ابعاد، از عقاید و فرهنگ و سیاست و... می‌باشد که در مقابل ظلم قرار دارد.

تفاوت قسط و عدل

در مقام بیان تفاوت قسط و عدل اولاً عدل فقط در همان معنای اعتدال و میانه‌روی به کار می‌رود، اما قسط علاوه بر معنای عدالت در معنای مخالف آن نیز یعنی ظلم و تعدی هم به کار می‌رود. اما در حالتی که قسط در معنای عدالت به کار می‌رود، در این صورت قسط از آن جهت که دربردارنده مفهوم اعتدال و حفظ از انحراف و افراط و تفریط است. با عدل هم‌معنا می‌باشد. اما در این صورت نیز جهت تفاوتی بین این دو واژه وجود دارد که عبارت از این است که قسط جنبه ظهور و اجرای عدل است. یعنی قسط حصه و نصیبی است که در تقسیم آن برابری و عدالت رعایت شده باشد. تفاوت دیگر این است که عدل معنایش اعطای حق است (به ذی حق) و مقابله ظلم است، اما قسط به معنای تبعیض قائل شدنند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶ش: ج ۶، ۱۴۳).

الْقِسْطُ هُوَ النَّصِيبُ بِالْعَدْلِ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۰۳)؛

قسط، نصیب و سهم‌گذاری با عدالت است.

در لسان‌العرب، ج ۷، ۳۷۷؛ تاج‌العروس، ج ۱۰، ۳۷۹-۳۷۸ آمده است: قسط، عدل و حصه و نصیب است و گفته شده است: إقساط (به کسر همزه) فقط عدل در قسمت است. در حدیث آمده است:

إِذَا حَكَمُوا عَدَلُوا، وَإِذَا قَسَمُوا قَسَطُوا (طبرانی، ۱۴۱۵ق: ج ۳، ۸۳)؛

وقتی حکم برانند عدالت کنند، و زمانی که قسمت کنند به عدالت قسمت نمایند و به

عدل و انصاف نصیب و حصه بدهند.

ابوهلال عسکری در الفروق اللغویه می گوید:

فرق بین نصیب و قسط این است که نصیب بر آنچه کمتر و زیادتر از استحقاق باشد، اطلاق می شود؛ ولی قسط حصه ای است که به عدل و استحقاق معین شده است و گفته می شود:

قَسَطَ الْقَوْمُ الشَّيْءَ بَيْنَهُمْ، إِذَا قَسَمُوهُ عَلَى الْقِسْطِ (ابوهلال عسکری، ۱۴۱۵ق: ۵۴۱)؛
مردم چیزی را در میان خود قسط کردند، یعنی: زمانی که آن را بین خود به قسط و مساوات تقسیم کردند.

و جایز است که گفته شود: قسط اسم است از برای عدل در قسمت و گفته شده است: قسط آن نصیبی است که شخص استحقاق آن را دارد و به آن نیازمند است.
در قرآن مجید، ماده «ق س ط» مکرر آمده است؛ از جمله در آیه:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید: ۲۵).

مفاد آیه این است: فرستادن پیامبران با دلایل و نشانی‌ها و نازل کردن کتاب و میزان، برای برپایی و قیام مردم به قسط و عدل است. اگرچه ظاهر این است که از قسط، معنای عام و عدل کلی و مطلق اراده شده است؛ ولی در آوردن کلمه قسط به جای عدل، شاید این عنایت باشد که خواننده و شنونده به نصیب به عدل و حق و نظم اقتصادی، و اهمّیت مداخله آن در قیام اجتماع به عدل متوجّه گردد.

ضمناً به این نکته هم باید توجه داشت که مکتب انبیاء در اعصاری که تعادل مالی و اقتصادی در برقراری جامعه به عدل مؤثر شناخته نمی شد، آن را پیشنهاد کرده و هدف فرستادن پیامبران و وحی و تعالیم و برنامه و کتاب بر آنان، نظم مالی و اقتصادی را نیز متضمن می باشد.

چون عدل مطلق، بدون تعادل مالی و نظم اقتصادی محکم و برنامه صحیح در تولید و توزیع حاصل نخواهد شد.
در آیه دیگر می فرماید:

﴿قُلْ أَمْرِي بِالْقِسْطِ﴾ (اعراف: ۲۹)؛
بگو پروردگار من فرمان به قسط داده است.

که از این آیه نیز یا معنای عدل عام و مطلق مراد است، یا خصوص تقسیم و توزیع به نصیب

حق و عدل.

و از جمله این آیه است:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ﴾ (آل عمران: ۱۸).

در این آیه نیز ظاهر این است که از قیام خدا به قسط، همین اراده شده است که همه چیز را طبق حکمت، به نصیب معین و به مقداری که لازم باشد، آفریده است. و در آیاتی دیگر مانند:

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ...﴾ (نساء: ۳)؛

و اگر می ترسید که مبادا درباره یتیمان مراعات عدل و داد نکنید....

و آیه:

﴿وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ﴾ (الرحمن: ۹)؛

و هر چیز را به ترازوی عدل و انصاف بسنجید.

محتمل است که عدل در امور مادی و مالی و قابل توزیع و تقسیم، اراده شده باشد، چنان که در مثل آیه:

﴿كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ﴾ (مائده: ۸)؛

در راه خدا پایدار و استوار بوده و گواه عدالت و درستی باشید.

و آیه:

﴿ذَلِكَمُ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ (بقره: ۲۸۲)؛

اینها درست تر و محکم تر است نزد خدا.

و آیه:

﴿وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ﴾ (مائده: ۴۲)؛

و اگر حکم کردی بین آنها به عدالت حکم کن.

ظاهر این است که عدل در حکم اراده شده است.

در نهج البلاغه نیز قسط به همین معنای تقسیم به عدل و استحقاق طبق نظام آمده است. مانند این که در وصف آفرینش طاووس در خطبه ۱۶۵ می فرماید:

﴿وَقَلَّ صِنْعٌ إِلَّا وَقَدْ أَخَذَ مِنْهُ بِقِسْطٍ﴾ (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۵)؛

و کمتر رنگی می توان یافت که طاووس سهمی از آن را نداشته باشد.

و در خطبه ۱۸۵ در وصف حضرت باری تعالی می فرماید:

وَقَامَ بِالْقِسْطِ فِي خَلْقِهِ وَعَدَلَ عَلَيْهِمْ فِي حُكْمِهِ (همان: خطبه ۱۸۵):

خدا میان مخلوقاتش به قسط و داد رفتار کرد (هرچیز را با عدل و حصه متعادل و موافق با نظام آفرید) و در حکم خود با عدل و داد بر آنها حکم فرمود.

با بررسی اجمالی روایاتی که شیعه و اهل سنت در زمینه بشارت به ظهور مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى نقل کرده اند، روشن می شود که در این روایات آنچه بیش از هر چیز دیگر مورد توجه قرار گرفته برپا داشتن قسط و عدل و نابود کردن ظلم و جور از سوی آن حضرت است. براساس بررسی مؤلف کتاب *منتخب الاثر* در منابع و مصادر شیعه و اهل سنت نزدیک به ۱۳۰ حدیث، دلالت بر این دارد که امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ زمین را پس از آن که از ظلم و ستم پر شده است، از عدل و داد آکنده می سازد (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷ ش: ۴۷۸) که از آن جمله می توان به این روایات اشاره کرد: پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

شما را به مهدی بشارت می دهم. او در زمانی که مردم گرفتار اختلاف، درگیری و آشوب ها هستند، در امت من برانگیخته می شود و جهان را از عدالت و برابری پر می سازد، هم چنان که از ظلم و ستم پر شده بود (ابن حنبل، ۱۴۱۶ ق: ج ۳، ۳۷).

از امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز نقل شده است که:

پدرم از پدرش و او از پدرانیش برای من نقل کردند که رسول خدا، که درود و سلام خدا بر او باد، فرمودند: امامان پس از من دوازده نفرند به تعداد نقبای بنی اسرائیل، نه نفر از آنها از نسل حسین، که بر او درود باد، هستند و نهمین آنها قائم ایشان است. او در آخرالزمان به پا می خیزد و زمین را از عدل پر می سازد؛ بعد از آن که از ستم و بی عدالتی پر شده بود (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ج ۳۶، ۳۵۱).

توجه خاص روایات به موضوع عدالت گستری امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ و فراوانی روایاتی که در این زمینه وارد شده اند همه بر نقش محوری این موضوع در قیام و انقلاب جهانی آن حضرت و جایگاه خاص آن در حکومت مهدوی دلالت دارند.

آیات قرآن کریم و انبوهی از روایات، بیانگر این است که آینده جهان و پایان تاریخ، به سویی می رود که جهان پر از ظلم و جور و تباهی، با قیام منجی بشریت، از همه ستم ها، پاک و سرشار از عدل و داد خواهد شد. چنان که خداوند می فرماید:

﴿الَّذِينَ إِن مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ
وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (حج: ۴۱):

آنان که اگر در زمین فرمانروایی شان دهیم، نماز را به پا می‌دارند و زکات را می‌دهند و به خوبی فرمان می‌رانند و از بدی بازمی‌دارند و فرجام کارها برای خداست.

امام باقر ع در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

این آیه در شأن مهدی و یارانش نازل شده است. خداوند به وسیله آنان، دین خود را آشکار می‌کند، به گونه‌ای که اثری از ستم و بدعت دیده نشود (بحرانی، ۱۳۷۵: ۹۴).

قرآن کریم در جای دیگر، هدف اصلی داعیان الهی را چنین ترسیم کرده است:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقْضَىٰ لِلنَّاسِ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید: ۲۵)؛

ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسائی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

این آیه دلالت بر این دارد که مردم در جامعه از نظر کمالات عقلانی به جایی می‌رسند که خود اقامه عدل می‌نمایند، نه این‌که حاکم عادل، عدالت را در حکومت ایجاد کند که این، عالی‌ترین و پیشرفته‌ترین نظام عدالت محور است (حائری، ۱۳۸۳: ۷۳).

حدیث معروف نبوی که فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَانْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجُورُ وَآمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ بِرِكَاتِهَا وَرُذِّقُ كُلُّ حَقٍّ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَمَّ يَبْقَىٰ أَهْلُ دِينٍ حَتَّىٰ يَظْهَرَ الْإِسْلَامُ وَيُعْتَرَفُوا بِالْإِيمَانِ (صدوق، ۱۳۸۶: ۵۳۶)؛

مهدی، زمین را پراز عدل و داد می‌کند، در حالی که پراز ظلم و جور شده باشد؛ نیز دلالت بر پرشدن زمین از قسط و عدل دارد.

در پرتو حاکمیت عدالت، همه انسان‌ها بدون استثنا در امنیت و رفاه زندگی خواهند کرد. زمانی که حضرت حجّت عجل الله فرجه ظهور کند به عدالت حکم می‌کند و کسی نمی‌تواند به دیگری جور و ستم روا دارد و راه‌ها به وسیله او امن می‌گردد و زمین برکاتش را برای استفاده مردم خارج می‌کند و امور را به دست اهلس می‌سپارد و هیچ دینی غیر از اسلام باقی نمی‌ماند و همه به اسلام گرایش پیدا می‌کنند و به ایمان اعتراف می‌کنند (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۸۴).

حضرت بقیة الله عجل الله فرجه سیستم عادلانه‌ای را به اجرا می‌گذارد که هیچ‌کس از هیچ امکاناتی محروم نخواهد ماند.

ب) قانون‌گرایی

﴿فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا﴾ (بقره: ۲۱۳)؛

خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند).

ابتدا مردم امت واحده بودند. زندگی حالت بساطت و سادگی داشت و اختلافی نبود. آن‌گاه اختلاف پیدا شد و نیاز به قانون برای رفع آن اختلافات، رخ نمود. پیامبران الهی وحی را برای رفع اختلاف آوردند و بدین سان قوانین الهی برای هدایت بشر، تشریح شد. در آیات بسیاری از قرآن، این هدایت تشریحی یاد شده است:

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالتَّيِّبِينَ مِنْ بَعْدِهِ... لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ﴾ (بقره: ۱۶۳-۱۶۵)؛

ما به تو وحی فرستادیم؛ همان‌گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم... تا آن‌که پس از فرستادن رسولان، مردم را بر خدا حجتی نباشد.

محال است که خداوند انسان را که به هدایت و قانون نیاز دارد، از آن محروم سازد:

﴿مَا كُنَّا مَعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾ (اسراء: ۱۵)؛

و ما هرگز (قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر آن‌که پیامبری مبعوث کرده باشیم (تا وظایف‌شان را بیان کند).

﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ﴾ (اعراف: ۲۹)؛

بگو پروردگارم امر به عدالت کرده است.

امام چون معصوم است همه قوانین را به خوبی می‌داند و بدان عمل می‌کند و کارگزاران خویش را نیز ملزم می‌کند که طبق قانون اسلام حرکت کنند. نظم اولین برابند قانون است.

از این رو حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور همگان را به رعایت قوانین الهی فرا می‌خواند و می‌فرماید:

ای مردم، من جایگاه شما را در پیشگاه الهی به یادتان می‌آورم؛ همانا خداوند دلایلش را برای تان کامل فرموده و پیامبران را برانگیخته و کتاب‌ها را فرو فرستاده و فرمان تان داده که هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و بر اطاعتش مراقبت داشته

باشید و نیز پیامبرش را تبعیت کنید، آنچه را قرآن زنده دانسته زنده کنید و آنچه را
میرانده بمیرانید و همراهان راه هدایت باشید چرا که دنیا در آستانه پایان است...
بنابراین من شما را به خدا و پیامبرش می خوانم و از شما می خواهم به کتابش عمل
کنید و باطل را از بین ببرید (کورانی، ۱۴۲۸ق: ج ۳، ۲۸۵).

ج) ستیز بی امان با ستمگران

حکومت عادلانه مهدوی، آخرین امید مستضعفان و حق طلبان تاریخ است که پرچم مبارزه
با ستمگران و مفسدان را تا نابودی کامل آنان بر زمین نخواهد نهاد، همه حکومت های ستمگر
را سرنگون خواهد ساخت و به تعبیر خدای متعال، زمین را از لوٹ وجود دشمنان خدا پاک
خواهد کرد؛ در حدیث قدسی خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین آمده است:

بِهَ أَطَهَّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي وَأُورِثُهَا أَوْلِيَائِي وَبِهِ أَجْعَلُ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِي السُّفْلَى
وَ كَلِمَتِي الْعُلْيَا (کلینی، ۱۴۰۸ق: ج ۶، ۳۶۱)؛

به وسیله مهدی، زمین را از دشمنانم پاک خواهم ساخت و آن را در اختیار دوستانم
قرار خواهم داد و به وسیله او کلمه کسانی را که به من کفر ورزند پست گردانم و کلمه
خوبش را برتر کنم.

سفیانی و دجال، سمبل های زور و تزویرند که به همراه هواداران خود در برابر قیام
عدالتخواهانه حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى می ایستند ولی در نهایت با دیگر موانع تحقق عدالت و
انسانیت از میان خواهند رفت و امام عدالت مطلق را در سراسر گیتی اجرا خواهد نمود و دست
ستمگران و متجاوزان را در عرصه های گوناگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و غیره
قطع خواهد کرد.

ثمره عدالت فراگیر مهدوی، این است که حقوق بر باد رفته خلق از جانیان بازستانده
می شود، بنیان ستم و بیدادگری های فردی و اجتماعی طاغوتیان، واژگون می گردد، امکان
رشد و تعالی و آموزش برای همه افراد و اقشار فراهم می گردد، غبار محرومیت از چهره عالم
انسانی زدوده می شود و براساس حق و عدل حکم می شود.

د) رسیدن اقشار ضعیف به اصول والا و ارزش های متعالی (حاکمیت مستضعفان)

خداوند متعال در قرآن می فرماید:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُتَوَكَّنْ
لَهُمْ فِي الْأَرْضِ * وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ (قصص: ۵-۶)؛

ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومت‌شان را در زمین پابرجا سازیم؛ و به فرعون و هامان و لشکریان‌شان، آنچه را از آنها [بنی اسرائیل] بیم داشتند نشان دهیم.

در این جا، معنای ظاهری این است که خداوند عزت و اقتدار بنی اسرائیل را به آنان باز پس می‌دهد و «فرعون» و «هامان» و سپاهیان‌شان را به بوته هلاکت می‌سپارد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۶۵۹).

اما معنای نهان آیه شریفه غیر از معنای ظاهری و روشن آن است. آن معنا این است که: مقصود از تضعیف‌شدگان در آیه شریفه، خاندان پیامبرند. مردم آنان را تضعیف نموده و بر آنان ستم کرده و آنان را به قتل رسانده و رانده و سخت‌ترین بیدادگری را در مورد آنان روا داشته‌اند. نکته دیگری که شایسته طرح است این‌که:

ممکن است این تأویل و معنای نهان از آیه شریفه که امامان نور علیهم السلام. آن را آشکار ساخته‌اند از ظاهر آیه نیز دریافت گردد، چرا که در ابتدای آیه، دو واژه «نرید» و «نمنن» به صورت مضارع که از آینده خبر می‌دهد و البته استمرار را هم می‌رساند و این نشان‌دهنده سنت الهی است که به کار رفته است (مجلسی، ۱۳۸۶ش).

ه) امنیت و آرامش

امنیت در لغت به معنی در امان و آسایش بودن و مصون از خطر و ترس و آرامش خاطر است. امنیت آرامش و رضایت بیرونی و درونی را باهم محقق می‌سازد و از کارکردهای امنیت ایجاد نظم عمومی است.

تحقق امنیت، آرمان همه امت‌ها است جهت پی‌ریزی یک تمدن انسانی، اگر امنیت و آسایش یک کشور دچار مشکل شود، بر پایی هر نوع تمدن و به دست آمدن هرگونه پیشرفت، اگر نگوییم محال است، لاقلاً بسیار دشوار خواهد شد (آقا رضایی طرخوانی، ۱۳۹۱ش: ۴۳). امروزه، جهان بیش از هر زمانی در جست‌وجوی امنیت و آرامش است.

برقراری صلح و امنیت در سطح جهانی، کاری بس دشوار است و تجربه گذشته نشان داده که هیچ فرد یا سازمانی نتوانسته است این مهم را تحقق بخشد. اما دنیا این‌گونه نخواهد ماند؛ چرا که خداوند، این اقدام بزرگ و مهم را برعهده حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار داده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۸ش: ۵۸). آن جا که فرمود:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيَمَكِّنَ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾؛
 خدا به کسانی از شما بندگان که (به خدا و حجت عصر) ایمان آرند و نیکوکار گردند
 وعده فرمود که (در ظهور امام زمان) در زمین خلافت شان دهد چنان که امم صالح
 پیمبران سلف را جانشین پیشینیان آنها نمود، و دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی
 است بر همه ادیان) تمکین و تسلط عطا کند و به همه آنان پس از خوف و اندیشه از
 دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی، بی هیچ شائبه، شرک و ریا پرستش
 کنند، و بعد از آن هر که کافر شود پس آنان به حقیقت همان فاسقان تبهکارند.

در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امنیت و سلام، بر جهان سایه می‌افکند، به طوری که
 جهانیان نه از دشمنان داخلی بر دین و دنیای خود بترسند و نه از دشمنان خارجی؛ نه از
 دشمنان علنی و نه از دشمنان پنهانی؛ و از کید نیرنگ بازان و ظلم ستمگران و زورگویی
 زورگویان آزاد باشند (طباطبایی، ۱۳۶۲: ج ۵، ۲۰۸). روشن است که امنیت، این گوهر نایاب
 زندگی انسان‌ها از ویژگی‌های حکومت امام است که امام آن را در تمام ابعادش برای بشر به
 ارمغان می‌آورد (آصفی، ۱۳۹۰: ۶۹).

ز) شکوفایی فطرت و سرشت انسانی

فطرت نوعی خاص از آفرینش و راهنمای انسان به سوی خداست. در رهیافت توحیدی
 امنیت با پذیرش ولایت الهی، عمل به دستورات وحی و عقل، قرار داشتن در زیر پرچم حق، و
 رجوع به فطرت الهی و کنترل هواهای نفسانی و خوف و رجاء نسبت به آینده، محقق می‌شود.
 در رهیافت توحیدی، هدف غایی امنیت این است که زمینه کمال انسانی از طریق عبودیت
 برای رسیدن به قرب الهی فراهم شود. برای شکوفایی فطرت، همان راه فکری و طریق
 استدلال و علم حصولی است که انبیاء آن را در اختیار انسان قرار می‌دهند، تا انسان فطرت خود
 را با آن شکوفا سازد.

یکی از شاخص‌ها و مختصات فرهنگ و تمدن مهدوی از نگاه مهدوی پژوهان شکوفایی
 فطرت و سرشت انسانی است، در واقع شناخت و معرفت‌های فطری در عصر ظهور به واسطه
 کناره‌گیری جوامع انسانی از ناپاکی‌ها و رذایل اخلاقی به نهایت کارایی و اثربخشی خود در
 زندگی انسانی می‌رسد، شناخت فطری زیبایی‌های خود را به انسان نشان می‌دهد و جوامع
 بشری از دریچه معرفت فطری زیبایی‌های حیات مادی و معنوی را مشاهده می‌کنند،
 محققان چگونگی شکوفایی این قسم از علم و معارف فطری را در عصر ظهور این چنین تبیین

کرده‌اند:

اگر انسان تحت پرورش درست قرار گیرد و دچار اغواگری و شیطنت ابلیس نشود، توانایی رشد و بالندگی روحی و معنوی فوق‌العاده‌ای پیدا خواهد کرد، این اصل مسلم و رکن پایدار اندیشه مهدویت و از سازوکارهای مهم پرورشی برای نجات انسان از اسارت مادیات و خواهش‌های نفسانی محض و رساندن او به اوج طهارت و قدسی بودن است (سبحانی، ۱۳۶۸ ش: ۱۰۲).

ح) ترویج و تثبیت ارزش‌های اخلاقی

فرهنگ و تمدن مهدوی اوج شکوفایی و تثبیت فضائل و مکارم اخلاقی است، براساس آیات قرآن کریم وارثان زمین انسان‌های پاک و صالح خواهند بود:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵)؛

در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!

زمانی که ساکنان زمین را صالحان عالم در بگیرند قاعدتاً این چنین دنیایی سرتاسر نیکی و فضائل اخلاقی خواهد بود، عدالت به معنای واقعی آن گسترش خواهد یافت، امنیت به معنای واقعی خود خواهد رسید و در این چنین جهانی کسی به دیگری ظلمی نخواهد کرد. امیرمؤمنان علیه السلام در یک مجلس، چهارصد نکته به بارانش آموخت که به صلاح دین و دنیای مسلمان است. فرمود:

... و اگر قائم ما قیام کند، آسمان، بارانش را فرو می‌فرستد و زمین، گیاهش را بیرون می‌آورد و دشمنی، از دل‌های بندگان می‌رود و درندگان و چارپایان با هم در صلح و صفایند، تا آن‌جا که زن از عراق تا شام می‌رود و پایش را جز روی سبزه نمی‌نهد و زینتش بر سرش است و نه درنده‌ای او را می‌ترساند و نه او از آن می‌ترسد (مجلسی، ۱۳۶۹: ج ۳، ۲۴۱).

ط) فرهنگ‌سازی جامع

فرهنگ یک مفهوم گسترده‌است که شامل ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای موجود در جوامع بشری و همچنین دانش، باورها، هنرها، قوانین، آداب و رسوم، توانایی‌ها و عادت‌های افراد گروه یا جامعه می‌شود (ادوارد تایلر، فرهنگ ابتدائی).

فرهنگ به عنوان بنیاد اجتماع و هدف والای حرکت‌های انسانی، نماد انسانیت است. با این همه، تنها زمانی می‌توان گفت که فرهنگ، امری مثبت و سازنده و هدف‌والایی است که

دارای ویژگی‌هایی باشد که از مهم‌ترین آنها، بستر مناسب بودن برای تعالی و تکامل بشری است.

عصر ظهور، دوران گسترش فرهنگ سالم و انسانی در همه سطوح جامعه و زدودن خرافات، پیرایه‌ها و آداب و رسوم ناسالم و غیرمفید است. بیشتر اقدامات حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام ماهیت فرهنگی و ارزشی دارد، به طوری که محققان و مهدوی پژوهان بر این باورند در این برهه از تمدن نوین اسلامی جوامع انسانی به عمق زشتی و مفساد اخلاقی و رذایل اخلاقی پی می‌برند و همین علم و معرفت به باطن رذایل اخلاقی عامل بازدارنده از ناپاکی‌های اخلاقی در جامعه می‌شود، به طوری که فضایل اخلاقی را در سطح گسترده‌ای در جهان نهادینه می‌سازد (زرقانی، ۱۴۱۷ق: ۱۶۹).

ی) کرامت زنان

در هیچ مکتب و گرایشی مانند مکتب اسلام حریم و حقوق زنان مورد حمایت قرار نگرفته است. در دیدگاه اسلام زن به عنوان شخصیتی گرانبها در ابعاد مختلف ایفای نقش می‌کند، اما حریم و مدار او هرگز با مردان آمیخته نمی‌شود، مکان‌های عمومی، جلوه‌گاه جاذبه‌های جنسی او نیست؛ رسالت و ایفای نقش اجتماعی او، همسررداری، خانه‌داری و تربیت فرزند را کمرنگ نمی‌کند؛ میان افراط و تفریط محدودیت، راه سوم «حریم» را در پیش گرفته است و غیرت و عفت او، راه هرگونه ابتذال جنسی و التذاذ را بر اغیار بسته است.

قرآن کریم زن را فوق مسائل گروهی و قبیله‌ای مطرح می‌سازد و به او شخصیتی جهانی می‌بخشد به گونه‌ای که زن نیک‌کرداری چون همسر فرعون را برای همه مؤمنان، اعم از مرد و زن به عنوان الگو معرفی می‌نماید:

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَخَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَخَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (تحریم: ۱۱)؛
و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت:
«پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!».

در طول تاریخ اگر مردان نقش‌آفرین و تاریخ‌ساز را مشاهده می‌کنیم، در کنار آنان نقش زنانی موفق و تأثیرگذار را نیز نباید فراموش کنیم.

در همه انقلاب‌ها زنان تأثیر فراوانی در پیشبرد اهداف آن انقلاب داشته‌اند. انقلاب جهانی

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، که اهداف همه انبیاء و اولیای الهی به طور کامل در آن تحقق پیدا خواهد کرد، نیز از این مطلب مستثنا نخواهد بود و زنان نقش مؤثری در پیروزی حق بر باطل و تحقق دولت کریمه مهدوی ایفا خواهند کرد.

در میان روایاتی که حضور و نقش زنان در حکومت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را مطرح می‌کنند: ۱. روایاتی که بیانگر حضور ۵۰ زن در بین یاران اصلی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام می‌باشد؛ امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

به خدا قسم سیصد و سیزده نفر می‌آیند، که پنجاه نفر از این عده زن هستند (مجلسی، ۱۳۸۶ ش: ج ۵۲، ۲۲۳).

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

در زمان حکومت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به همه مردم حکمت و علم بیاموزند؛ تا آن جا که زنان در خانه‌ها با کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قضاوت می‌کنند (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۲۳۹).

ساختار حکومت جهانی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از منظر قرآن

ساختار عبارت است از بافتار و قالب و فرم حکومت، ساختار حکومت شیوه‌ای را تعیین می‌کند که در آن نقش‌ها، قدرت، اختیار و مسئولیت‌ها، تعیین و مدیریت می‌شود و نحوه انتقال اطلاعات بین سطوح مختلف سلسله مراتب در یک حکومت را نشان می‌دهد. ساختار حاکمیت به میزان قابل توجهی به اهداف و استراتژی آن در دست‌یابی به این اهداف بستگی دارد.

در ساختار حکومت‌ها، اختیارات و روابط گزارش‌دهی به وضوح تعیین شده است و این امر موجب جریان کارآمد و مؤثر در حاکمیت است.

حکومت به معنای فرمان دادن، امر کردن، سلطنت کردن و قضاوت کردن است (معین، ۱۳۸۳ ش: ج ۱، ۱۳۶۷) و در اصطلاح به عنوان یکی از عناصر چهارگانه تشکیل‌دهنده دولت (جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت) می‌باشد که عبارت است از مجموعه نهادهایی که در یک پیوند و ارتباط تعریف شده با یکدیگر، در یک سرزمین مشخص و بر اجتماع انسانی ساکن در آن، اعمال حاکمیت می‌کنند. در واقع حکومت، هیئت حاکمه است که مجموعه سازمان‌ها و نهادهای موجود در قدرت سیاسی حاکم بر جامعه را دربر می‌گیرد (واعظی، ۱۳۸۰ ش: ۲۹).

پیشینه ساختار حکومت در اسلام

رسول اکرم ﷺ در رأس تشکیلات اجرایی و اداری قرار داشت و به برقراری نظامات اسلام همت گماشته بود تا دولت اسلام را به وجود آورد خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانونی یعنی احکام شرع یک حکومت دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است، اسلام همان طوری که قانون گذاری کرده است قوه مجریه هم قرار داده است. «پس از رسول اکرم ﷺ در زمان خلفا و حضرت امیر علیه السلام هم سازمان دولتی وجود داشت و اداره و اجرا صورت می گرفت». «بسیاری از احکام بدون تشکیلات و سازمان دولت اجرا نمی شود مثل دیات و غیره، حتی حضرت صادق علیه السلام هم قاضی نصب می کرد. چون ما بدانیم که در رأس حکومت چه کسی باشد والا نصب در زمان او لغو بود چون تأثیر نداشت پس معلوم می شود برای زمان ما فرموده است». «طرح حکومت و اداره و قوانین لازم برای آن آماده است» (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۵۷ش: ۶). و در جای دیگری سه شأن را برای پیامبر قائلند که در سیره حکومتی و ساختار حکومت امام علی علیه السلام نیز وجود داشته است. مقدمه اول، تفکیک بین وظایف متعددی است که رسول اکرم ﷺ داشته است. به نظر ایشان، رسول اکرم ﷺ دارای سه نوع مقام است و بنابراین در هر مورد باید فرمان ها و احکام ایشان با توجه به این مطلب سنجیده شود.

مقام اول رسول خدا ﷺ نبوت است. در این مقام، نبی اکرم ﷺ پیام آور الهی است و نظر شارع مقدس از زبان او بیان می گردد و ایشان فقط نقش سخنگو و مبلغ دارند و چیزی از خود بیان نمی کنند.

مقام دوم رسول خدا ﷺ ریاست و تصدی امر سیاست یا به اصطلاح مقام اجرایی است. این مقام با مقام نخست تفاوت اساسی دارد؛ زیرا در مورد نخست، رسول خدا ﷺ از خود ابتکاری نداشت و فقط احکام الهی را ابلاغ می کرد. پس اگر نهی و امری وجود داشت، متعلق به باری تعالی بود؛ ولی در مقام دوم، رسول خدا ﷺ به عنوان رئیس امت، شخصاً و با صلاحدید خودش دستور صادر می کند و امر و نهی می فرماید. اطاعت از او امر پیغمبر ﷺ در این مقام نیز بنا بر آیه شریفه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) بر همه مسلمانان واجب است؛ مانند این که پیغمبر ﷺ برای مدافعه در مقابل دشمنان، فرمانده سپاه منصوب می فرمود و سپاه را به جنگ گسیل می داشت. این گونه احکام و دستورات از جمله فرمان های حکومتی است و هر چند واجب اطاعه است، ولی از جمله احکام نوع اول نیست که توسط باری تعالی مقرر شده باشد.

مقام سوم رسول اکرم ﷺ قضاوت است؛ یعنی پیغمبر علاوه بر وظایف پیامبری و اجرایی،

در مواجهه با خصومات و مراعات بین مردم نیز به قضاوت می‌نشست. قرآن مجید می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ (احزاب: ۳۶)؛

یعنی هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای حق ندارد وقتی که خداوند و پیغمبرش در امری قضاوت کرده‌اند نسبت به اوامر و نواهی خدا و پیغمبر اعمال نظر کند. هر کس خدا و پیغمبر را معصیت کند، گمراهی بزرگ و واضحی مرتکب شده است.

احکامی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقام قضاوت و رفع خصومات صادر فرموده با احکام حکومتی و همچنین با احکامی که در بیان منویات باری تعالی ابلاغ فرموده متفاوت است. البته در اطاعت این سه نوع احکام تفاوتی وجود ندارد و مسلمانان مکلفند کلیه این احکام را به اجرا بگذارند. پیغمبر صلی الله علیه و آله حق داشته است در تفویض اختیارات سیاسی و قضایی خود، مقامات اجرایی را به فردی، و منصب قضا را به فرد دیگری واگذار کند.

۲. طبق مقدمه دوم در جملاتی که رسول الله صلی الله علیه و آله یا امیرالمؤمنین علیه السلام با کلمه «قضی» یا «حکم» یا «امر» و امثال اینها بیان کرده‌اند، مراد احکام شرعی نیست و اگر احیاناً این کلمات در معانی احکام شرعی به کار رود، یا مجاز است یا ارشاد به حکم خداوند؛ زیرا ظاهر این الفاظ (قضی، امر، حکم) که حسب مورد در فرمایش آن دو بزرگوار آمده، به این علت است که حاکم و امیر هستند یا در مقام قضاوت بیان مطلب فرموده‌اند، نه این‌که در مقام بیان حلال و حرام الهی باشند؛ زیرا در مقدمه اول دیدیم که این‌گونه احکام، احکام تشریحی نیستند؛ یعنی پیغمبر صلی الله علیه و آله در مقام ایفای وظایف نبوی نیست، بلکه با دستور اجرایی می‌دهد یا حکم قضایی صادر می‌کند.

شاهد مدعی مذکور این است که در مورد ائمه اطهار علیهم السلام این‌گونه بیان مطلب کمتر دیده می‌شود؛ زیرا آنها ریاست و حکومت و قضاوت علنی و ظاهری نداشتند و این امر نشان می‌دهد که چون رسول اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام مقدمات سه‌گانه فوق‌الذکر را با هم دارا بودند، برای تفکیک و تمیز احکام حکومتی یا قضایی صادر از ناحیه ایشان از احکام الهی که در مقام نبوت تبلیغ فرموده‌اند، در روایات از قدیم‌الایام کلمات «قضی» و «حکم» و «امر» به عنوان وجه مشخص این‌گونه احکام و دستورات به کار گرفته شده است.

نتیجه این‌که هر جا این‌گونه کلمات در روایات و احادیث مربوط به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام دیده می‌شود با تشخیص شأن صدور حکم و کلمات روایت باید تعیین کرد که آن حکم یا دستور، حکم «حکومتی و اجرایی» است یا «حکم الهی» که غالباً با کلماتی نظیر «قال» و

«کتاب» از احکام دیگر مشخص می‌گردد. مثلاً وقتی آن حضرت به اسامه بن زید می‌فرماید: تو رئیس لشکر هستی، تردیدی باقی نمی‌ماند که این يك فرمان و دستور حکومتی است و البته مواردی هم وجود دارد که هر چند کلمات نوع اول و دوم در آن نیست، ولی از قرائن باید نوع حکم را پیدا کرد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ۱۴۷-۱۴۸).

ساختار کارآمد

مهم‌ترین بحث در مورد حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مربوط به ساختار کارآمد و منحصر به فرد نظام سیاسی مهدوی است که اصلاح سنت‌های غلط محقق می‌گردد. یعنی برخلاف «جهانی شدن» - که امری کاملاً غیرمنسجم، مبهم، پراکنده و ناکارآمد است - حکومت فاضله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای ویژگی‌ها و ساختاری واحد، منسجم، کارآمد، مقتدرانه و تحت مدیریت کامل و با کیفیت ایشان است. در این ساختار به همه ابعاد زندگی بشری، توجه شده و در تمامی زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، برنامه و راهکار ارائه گشته است. هیچ بعدی از زندگی بشری، مورد غفلت واقع نشده و جزئی‌ترین مسائل حیات اجتماعی و فردی روی زمین، در این حکومت دارای اهمیت و ارزش است. پس ساختار نظام سیاسی مهدوی، کاملاً جهانی، فراگیر و عام‌شمول است و ساز و کارهای اجرایی و اداری آن، براساس مدیریت «همه عرصه‌های جهانی» تنظیم شده است.

بر طبق روایات، دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تمام شرق و غرب جهان را دربر می‌گیرد (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۷۹۰).

از آن جا که حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کامل‌ترین، پیشرفته‌ترین و گسترده‌ترین حکومت‌هاست، حتماً متناسب با موقعیت زمانی و مکانی، ساختار و نهادهای قدرت متمایز و ویژه‌ای خواهد داشت. پس نمی‌توان با الگوهای موجود که خالی از چالش و کاستی نیست، آن را تبیین نمود.

الف) حاکمیت واحد

وقتی از ساختار و ماهیت حکومت اسلامی سخن گفته می‌شود ممکن است گونه‌های مختلف حکومت که در فلسفه سیاست مطرح شده‌اند، به نظر بیاید اما اسلام شکل خاصی برای حکومت را پیشنهاد نمی‌کند بلکه اسلام و قوانین اسلامی اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد و برای همه زمان‌ها و جوامع نازل شده است و روزی فرا خواهد رسید که روی کره زمین يك حکومت جهانی استقرار یابد که مدل و شکل آن همان حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله در صدر

اسلام است، اسلام نه به کلی مردم را به حال خود رها می‌کرده و نه شکل تنگ و محدودی را معرفی می‌کند. نوع حکومت جهانی اسلامی همه اشکال صحیح و عقلایی حکومت در آن می‌گنجد. مهم‌ترین ویژگی آن این است که از چهارچوب‌ها، قواعد و قوانین کلی اسلام فراتر نمی‌رود. تنها با وجود پیامبر ﷺ و امام معصوم ﷺ است که حکومت و شکل ایده‌آل آن تحقق می‌یابد. عامل هماهنگ‌کننده و وحدت‌بخش ارکان حکومت در ساختار حکومت جهانی امام مهدی ﷺ که بحران‌ها را رفع نموده و از ناهماهنگی قوا و هرج و مرج در اجرا جلوگیری به عمل می‌آورد، يك شخصیت معصوم است که در رأس هرم قدرت قرار گرفته و با يك نظام واحد جهان را هدایت می‌کند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء: ۵۹)؛

ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید.

و در آیه دیگری می‌فرماید:

﴿وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولَ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...﴾ (حشر: ۷)؛

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمائید و از (مخالفت) خدا بپرهیزید.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در نخستین شعار و پیام خود به مردم فرمود:

قولوا لا اله الا الله تفلحوا (مجلسی، ۱۳۸۶: ۱۴۳).

اما در طول تاریخ بشر پیوسته طاغوتیان در برابر پیامبران ایستادند و از تحقق این آرمان الهی در شکل جهانی و همگانی آن جلوگیری کرده و به ستیز و مقابله روی آوردند. اما این وعده تخلف‌ناپذیر الهی است که، این آرمان در حکومت جهانی مهدوی واقعیت خواهد یافت.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه: ۳۳)؛

اوست خدایی که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب و نمایان سازد اگرچه مشرکان آن را نپسندند.

حکومت امام مهدی ﷺ ساختار فراگیر جهانی و جهان‌شمول دارد.

ب) ولایت ولی (رهبری)

امامت و رهبری از مهم‌ترین ویژگی‌های ساختار نظام جهانی اسلام است که مرکزیت،

وحدت و یکپارچگی، زعامت مهدوی و سیاسی، اساس و پایه فعالیت‌های بشر، هسته مرکزی نظم اجتماعی، مشروعیت، بیعت مردمی و اسوه فردی و جمعی را برخوردار است (کارگر، ۱۳۸۳ش: ۲۴۳).

امام مهدی علیه السلام پس از فتح جهان و تسلط بر آن، امامت و رهبری را عهده‌دار می‌شود و ریاست عالی و مدیریت کامل بر جهان را در دست می‌گیرد. سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها زیر نظر او صورت می‌گیرد و مسئولیت‌ها و وظایف با دستور او مشخص می‌شود. از برنامه‌های اساسی امام مهدی علیه السلام، تشکیل حکومت فراگیر جهانی و اداره اجتماعات از یک نقطه و با یک سیاست و برنامه است. در دوران رهبری امام، با ایجاد مرکزیت واحد و مدیریت و حاکمیت یگانه برای همه اجتماعات، نژادها و منطقه‌ها یکی از عوامل مهم اصلی جنگ‌ها و ستم‌ها از بین می‌رود و انسان‌ها بدون ترس و بیم از فشار سیاست‌ها به آغوش یکدیگر باز می‌گردند و مهربان و برادروار در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند (حکیمی، ۱۳۹۲ش: ۱۶۲).

آن حضرت با اقتدار و نفوذ، تمام جهان را اداره و همه کشورها را تحت سلطه خویش خواهد داشت و عزل و نصب حاکمان و زمامداران - با اذن خداوند - در دست اوست: «آنها را فرمانروایان کشورهای جهان می‌گرداند» (سلیمان، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۶۵۰) و «امیران و کارگزاران خود را به شهرها می‌فرستد و دستور می‌دهد که عدالت را در میان مردم پیاده کنند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷ش: ۵۹۳). هنگامی که حضرت عیسی علیه السلام برای یاری آن حضرت بر زمین فرود می‌آید، امام جماعت و پیشوایی را نمی‌پذیرد و آن را مختص به حضرت می‌داند. در حدیثی آمده است:

امیرشان مهدی می‌فرماید: نزدیک آی و با ما نماز بگذار [اما] عیسی می‌گوید: هان که برخی از شما بر برخی دیگر به کرامت خدای تعالی - که بر این امت دارد - فرمانروا و امیر می‌باشید (حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۳، ۵۹۷).

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

وزیران مهدی همه عجم (غیرعربی) هستند و در میان آنها حتی یک نفر عرب هم نیست، ولی به عربی سخن می‌گویند و آنان خالص‌ترین و برترین وزیران هستند.

حکومت جهانی مهدوی، همان حکومت مطلقه الله است؛ حکومتی که قانون‌گذاری خدا را در رأس و رهبر آن را به عنوان خلیفه‌الله پذیرفته است و هدفی جز، تأمین مصالح همه جانبه کلیه افراد ندارد (آوینی، ۱۳۸۲ش: ۵۲).

همچنین قانون در حکومت جهانی مهدوی، کتاب خداست. کتابی که به عنوان قانون اساسی بر دنیا حکومت می‌کند قرآن است، قوانینی جاری متکی به متن اصیل اسلام است، در تمام کره زمین یک حکومت بیشتر نیست، مرزها بر چیده می‌شود، سازمان‌های گوناگون و عریض و طویل و کم فایده یا بی‌خاصیت بین‌المللی وجود نخواهد داشت، ارتش‌های گوناگون نیست، یک حاکم در تمام دنیا است، کل دنیا مثل یک خانواده با یک مدیر محبوب است و منظور آیه کریمه: ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ (توبه: ۳۳)، همین است که غلبه مطلق باشد یعنی روزی فرا می‌رسد که اسلام هم از نظر منطق و استدلال و هم از نظر نفوذ ظاهری و حکومت بر تمام ادیان پیروز خواهد شد و همه را تحت الشعاع خویش قرار خواهد داد. در ذیل آیه: ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ...﴾ (حج: ۴۱) استقرار، سامان‌دهی و استمرار نظام توحیدی در عصر ظهور امام مهدی علیه السلام جز بر پایه قانون و رعایت همگانی آن تحقق نمی‌یابد. قانون‌مداری در همه ابعاد اجتماعی عصر ظهور، اصلی‌ترین رکنی است که گسترش عدالت در همه جای زمین را تضمین می‌کند.

ج) کارگزاران

در حکومتی که امام مهدی علیه السلام رهبری آن را بر عهده دارد، کارگزاران و مسئولان حکومت نیز باید از بزرگان و نیکان امت باشند. از همین رو روایات ترکیب دولت امام مهدی علیه السلام را از پیامبران، جانشینان آنان، تقوای پیشگان و صالحان روزگار و امت‌های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته‌اند که نام برخی از آنها عبارتند از: حضرت عیسی علیه السلام، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی حضرت موسی علیه السلام، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مالک اشتر نخعی و قبیله همدان (طبسی، ۱۳۸۰ ش: ۱۷).

در برخی روایات حضرت عیسی علیه السلام وزارت حکومت جهانی مهدوی را بر عهده خواهد داشت؛ چنان‌که از افراد دیگری نیز به عنوان وزیر نام برده شده که ممکن است این وزیران در رده‌های بعدی حکومت و سیاست قرار داشته باشند و حضرت عیسی علیه السلام در رأس آنها و به عنوان وزیر و مشاور و نزدیک‌ترین شخص به امام مهدی علیه السلام و فرمانده سپاه او و دارنده مقام قضاوت است. در یکی از روایات از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

مهدی متوجه می‌شود که عیسی در قدس در نزدیکی مناره بیضاء فرود آمده است، در حالی که دست‌های خود را بر بال‌های دو فرشته نهاده، آب از موهایش می‌چکد. پس مهدی می‌گوید جلو بایست و با مردم نماز بخوان. عیسی می‌گوید نماز برای تو اقامه شده است. پس عیسی پشت سر او نماز می‌خواند و با او بیعت می‌کند و می‌گوید من به

عنوان وزیر و معاون برانگیخته شده‌ام، نه به عنوان امیر و امام (سلیمان، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۵۷).

در روایت دیگری آمده است:

عیسی علیه السلام وزیر حضرت قائم وَجَاءَ الشَّرِيفُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ و پرده دار و جانشین آن حضرت است که به کرامت حضرت مهدی وَجَاءَ الشَّرِيفُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ بر شرق و غرب عالم امنیت را گسترش می‌دهد (بحرانی، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ۶۲۰).

همچنین از افراد دیگری نیز به عنوان وزیران حکومت امام مهدی علیه السلام نام برده شده است؛ چنان که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

وزیران مهدی همه عجم (غیرعربی) هستند و در میان آنها حتی یک نفر عرب هم نیست، ولی به عربی سخن می‌گویند و آنان خالص‌ترین و برترین وزیران هستند (مجلسی، ۱۳۸۶ش: ج ۴۸، ۳۰۵).

امام علی علیه السلام در وصف اصحاب امام مهدی علیه السلام فرموده است:

گروهی از مردان الهی دور او گرد می‌آیند، دعوتش را سرپا نگه می‌دارند و او را یاری می‌کنند. آنان وزیران او هستند که سنگینی مسائل کشوری را بر عهده می‌گیرند و او را در مسئولیت بزرگی که خداوند بر عهده‌اش گذاشته، یاری می‌کنند (قندوزی حنفی، بی تا: ج ۳، ۳۳۹).

د) حاکمان و والیان

پس از استقرار و تثبیت دولت امام مهدی علیه السلام، آن حضرت خود به طور مستقیم حاکمان و والیان را با دستورات مهمی به سراسر جهان اعزام خواهد کرد:

مهدی یارانش را در همه شهرها پراکنده می‌سازد و به آنان دستور می‌دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنها را فرمانروایان کشورهای جهان می‌گردانند و به آنان فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند (سلیمان، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۶۵).

در سخنی از امام علی علیه السلام آمده است:

مهدی، امیران و کارگزاران خود را به شهرها می‌فرستد و دستور می‌دهد که عدالت را در میان مردم پیاده کنند (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷ش: ۵۹۲).

در حدیثی آمده است:

هنگامی که مهدی قیام کند برای هر کشوری از کشورهای جهان فرمانروایی بر می‌گزیند و به او می‌فرماید: دستورالعمل تو در کف دستت می‌باشد، هرگاه حادثه‌ای

برای توری دهد که حکم آن را بلد نباشی و طرز داوری در آن را ندانی، به کف دست نگاه کن و هر چه در آن منعکس باشد، بر آن عمل کن.

مهم‌ترین انگاره در تعیین و اعزام والیان و رؤسای کشورهای مختلف جهان، دستورات و سفارش‌های خاص حضرت به آنان است که نشان می‌دهد آنان تا حدودی در حیطه مسئولیت خود مستقل هستند و می‌توانند با اذن حاکم تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های ویژه‌ای داشته باشند. در حدیثی آمده است:

هنگامی که مهدی قیام کند برای هر کشوری از کشورهای جهان فرمانروایی بر می‌گزیند و به او می‌فرماید: دستورالعمل تو در کف دست می‌باشد، هرگاه حادثه‌ای برای توری دهد که حکم آن را بلد نباشی و طرز داوری در آن را ندانی، به کف دست نگاه کن و هر چه در آن منعکس باشد، بر آن عمل کن (حرعاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۳، ۵۷۳).

در عصر ظهور یاران خاص امام (۳۱۳ نفر) برگزیدگان اهل زمین بوده و شایستگی‌های لازم و لیاقت و کفایت اداره زمین و تدبیر امور همه مردمان را دارا خواهند بود و تمام این امور تحت رهبری و ولایت امام مهدی علیه السلام و راهنمایی‌ها و تعالیم آن بزرگوار صورت خواهد گرفت. این افراد در اولین فرصت خود را به امام می‌رسانند و نخستین بیعت کنندگان با آن حضرت و فرماندهان و سران لشکر او در هنگام قیام و حاکمان و رؤسای کشورهای جهان پس از پیروزی و تسلط بر زمین خواهند بود. در سخنی از امام صادق علیه السلام آمده است:

گویا قائم را بر فراز منبری در کوفه می‌بینم و پیرامون او یارانش قرار دارند که ۳۱۳ تن به تعداد اصحاب بدر هستند. آنان پرچمدار سپاه و حاکمان زمین از سوی خداوند در بین بندگان او هستند (همان: ۴۹۴).

امام سجاد علیه السلام نیز فرموده است:

هنگامی که قائم ما قیام می‌کند، خداوند هر گونه آفت و وحشت را از شیعیان ما برطرف می‌کند و قلوب آنان را همچون پاره‌های آهن و محکم می‌نماید و نیروی یک نفر از آنان را بربر نیروی چهل نفر می‌کند و آنان حاکمان و سروران سراسر زمین خواهند شد (همان: ۴۹۶).

یکی از وجوه مثبت و درخشان این افراد، نفوذ و جایگاه ویژه آنان در میان مردم است. امام باقر علیه السلام فرموده است:

گویا اصحاب و یاران مهدی را می‌بینم که شرق و غرب را پر کرده‌اند. هیچ چیز در عالم

پیدا نمی‌شود مگر این‌که از آنها اطاعت می‌کند و حتی درندگان و پرندگان وحشی نیز مطیع آنان هستند. همه چیز در روی زمین خواهان به دست آوردن رضایت آنان است تا جایی که قطعه‌ای از زمین بر قطعه‌ای دیگر افتخار می‌کند و می‌گوید: امروز مردی از یاران قائم از روی من عبور کرد (همان: ۴۹۴).

هـ) بودجه و امور مالی

یکی از مشکلات دولت‌ها که در طول تاریخ با آن دست به گریبان بوده اند تأمین بودجه و معاش کافی برای اداره کشور و تأمین رفاه و آسایش برای مردم می‌باشد که همیشه هم ناتوان بوده اند هر چند سعی و کوشش فراوانی صورت گرفته است.

از محورهای مهم در امور اجتماعی، امور مالی است. در اسلام سه محور مهم برای تحقق عدالت اجتماعی، در این بعد در نظر گرفته شده است که هر سه در اختیار پیامبر ﷺ به عنوان رهبر اجتماع قرار داده شده است. زکات، خمس و انفال، این سه محور را تشکیل می‌دهند (هرچند صدقات و کفارات واجب و مستحب دیگری نیز در این زمینه مطرحند که بیشتر جنبه فردی دارند و قابل پیش‌بینی نیز نیستند). خداوند پیامبر ﷺ را متولی امور زکات قرار داده و از مؤمنان می‌خواهد به سهمی که از سوی خداوند و پیامبر ﷺ به آنان داده می‌شود، راضی باشند: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ﴾ (توبه: ۵۹)؛ (در حالی که) اگر به آنچه خدا و پیامبرش به آنان داده راضی باشند، و بگویند: «خداوند برای ما کافی است! و به زودی خدا و رسولش، از فضل خود به ما می‌بخشند؛ ما تنها رضای او را می‌طلبیم» (برای آنها بهتر است)! و پیامبر ﷺ است که سهام افراد و نیز افرادی را که مشمول زکات هستند، معین می‌کند. علاوه بر این‌که یکی از مصادیق آن، که فی سبیل الله است، هنگام مصرف نیز نیاز به سرپرست دارد. انفال و خمس نیز مانند زکات هستند، جز این‌که انفال، تنها ویژه خداوند و رسول است: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ (انفال: ۱)؛ (ای رسول ما) امت از تو حکم انفال را سوال می‌کنند جواب ده، انفال مخصوص خدا و رسول است (که رسول و جانشینانش به هر کس و هر قدر صلاح دانند ببخشند) ولی در خمس افراد دیگری نیز شریکند: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ حُصْمَهُ وَلِلرَّسُولِ﴾ (انفال: ۴۱)؛ (ای مؤمنان) بدانید که هر چه غنیمت و فایده برید خمس آن خاص خدا و رسول است. آنچه در این جا مهم است و روایات هر دو باب، بر آن دلالت دارد، سرپرستی پیامبر ﷺ و پس از ایشان، امام بر خمس و انفال است؛ به گونه‌ای که این دو زیر نظر ایشان به مصارف خود می‌رسند و هر چند پیامبر ﷺ و امام برای امور شخصی خویش می‌توانند از این دو

منبع استفاده کنند، ولی مهم‌ترین مصرف آنها برای اداره امور حکومت و عدالت اجتماعی است؛ «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛ آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروت‌مندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمائید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!

از جمله، حدیثی است که پس از بیان مواردی که در آن، خمس واجب است، می‌فرماید: «فسهم الله و سهم رسول الله لاولی الامر من بعد رسول الله» و در ادامه روایت، والی را تقسیم‌کننده خمس، در میان دیگر شرکا معرفی می‌کند و اگر پس از رفع نیاز آنان چیزی زیاد بیاید، آن را ویژه والی می‌داند و اگر کمبودی باشد، بر عهده والی است که آن را تکمیل کند. همچنین درباره مصرف اموالی که نزد والی است، می‌فرماید:

فیکون بعد ذلك ارزاق اعوانه علی دین الله و فی مصلحة ما ینوبه من تقوية الاسلام و تقوية الدین فی وجوه الجهاد و غیر ذلك مما فیہ مصلحة العامه، لیس لنفسه من ذلك قلیل و لا کثیر (کلبینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۴۱)؛

پس هزینه یارانش در راه دین خدا و مصلحت دیگر چون تقویت اسلام، جهاد و غیره از مصالح عمومی است و برای خودش هیچ چیزی از آن نیست؛ چه کم و چه زیاد.

آن‌گاه به مسئله انفال می‌پردازد و آن را در اختیار پیامبر ﷺ و سپس والی می‌داند. لذا در زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه و حکومت عدل آن بزرگوار این کمبود در امور تأمین مالی و بودجه به هیچ عنوان وجود ندارد و با پیشرفت علوم و صنایع جانبی آن، تمام زمین آباد می‌گردد «و وضع اقتصادی مردم، آن‌چنان رونق می‌یابد (حتی) مستحق زکات پیدا نمی‌شود، باران‌های نافع، پی در پی می‌بارد، تمام زمین سبز و خرم می‌گردد برکات و محصولات زمین زیاد می‌شود، اصلاحات لازم در امور اقتصادی) به عمل می‌آید» بودجه‌های سنگینی را که در سراسر جهان صرف امور نظامی و امور بی‌فایده از این قبیل می‌شده حذف می‌کند، جلوگیری از حیف و میل اموال و سوءاستفاده‌های مادی تنظیم دقیق و صحیح بودجه و غیره از برنامه‌های اصلاحی آن حضرت است.

نتیجه‌گیری

مسئله مهدویت و اندیشه انتظار و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، آخرین امام زنده و حاضر شیعیان در عصر غیبت، یکی از مسائل بسیار مهم دینی است. چرا که بزرگ‌ترین دغدغه و آرمان انسانی شیعیان جهان فرا رسیدن زمان قیام حضرت بقیة الله الأعظم عجل الله تعالی فرجه الشريف و برقراری عدالت است. بنابراین مسئولان، برنامه‌ریزان، سیاست‌مداران و پژوهش‌گران عزیز، برای تحقق این آرمان‌ها و آرزوها و برای ایجاد بستری مناسب در جهت توسعه هماهنگ و پایدار، آماده‌سازی مقدمات ظهور در چارچوب ارزش‌های اعتقادی و باورهای اسلامی، مسئولیت خطیری به عهده دارند.

فرآیند حکمرانی جهانی در عصر حاضر مبنی بر الگوی دموکراسی، تعمیم یافته است. همان‌طور که دموکراسی می‌تواند از طریق نهادهای اقتصادی و اجتماعی به انحراف کشیده شود حکمرانی جهانی نیز تحت تأثیر شرایط اقتصادی و سیاسی کشورها خواهد بود. این نکته ثابت شده است که قدرت سیاسی و اقتصادی به یکدیگر پیوند خورده‌اند. اما باید در نظر داشت که حکومت‌ها دارای توانمندی یکسانی نیستند. مشارکت موفقیت‌آمیز در روند جهانی شدن، موقوف به امتیازات نهادینه شده و ظرفیت‌های سیاسی کشورهاست که توزیع‌شان دیرزمانیست به شدت نابرابر بوده است. خطرات جهانی شدن و آسیب‌پذیری نسبت به تکانه‌های بیرونی در کشورهای ضعیف محسوس‌تر است. برعکس قدرت ساختاری یعنی توانایی اشکال مناسب کنشی، برخورداری از زیربنای و پیوندهای لازم برای تأثیر بر روند جهانی شدن در کشورهای نیرومند اقتصادی متمرکز شده است. نتیجه این شرایط انحراف فرآیند حکمرانی جهانی به سمت اهداف و تمایلات کشورهای قدرتمند خواهد بود (برژینسکی، ۱۳۸۳: ۱۹۷).

آینده حکمرانی جهانی چندان روشن نیست. ممکن است روند موجود تا نهادینه شدن ساختار فعلی ادامه یابد و یا اعتراضات رو به گسترش نسبت به این فرآیند، موجب ظهور و بروز قدرت‌های جدید و تغییر در ساختار مشارکت‌کنندگان جهانی گردد. سناریوی قابل‌تصور دیگر تعارض قطب‌های جدید با ساختار فعلی و از بین رفتن ساختار فعلی و ایجاد نظمی نوین خواهد بود. این‌که در آینده چه اتفاقی می‌افتد از نظر اندیشمندان این حوزه نیز نامشخص است.

واضح است که به هر روی در آینده مدیریت و حکمرانی جهانی و الگوی کامل این امر، حکومتی تحت ولایت انسان کامل و معصوم است. چنین حکومتی از هرگونه ظلم و بی‌عدالتی به دور خواهد بود و موفقیت توأم با آن خواهد بود. این حکومت مبتنی بر ارزش‌های انسانی

است لذا از پذیرش همگانی برخوردار خواهد بود. حکومت جهانی موعود منتظر برپایه-ی عدالت، توحید و کرامت انسانی خواهد بود (خنifer و همکاران، ۱۳۸۹).

شناخت صحیح حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام و شناخت مختصات و ساختار آن، از موضوعاتی است که به اصلاح نظام در جوامع و به دنبال آن رضایت مردم و مردم سالاری دینی خواهد انجامید.

از برنامه های امام مهدی علیه السلام، تشکیل حکومت فراگیر جهانی و اداره همه اجتماعات از یک نقطه و با یک سیاست و برنامه است. در آن دوران به دست امام مهدی علیه السلام، آرمان های والای تشکیل جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تحقق می پذیرد.

فلذا با انجام پژوهش حاضر مشخص گردید:

مختصات حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام از نظر قرآن عبارتند از: عدالت محوری، قانون گرایی، ستیز بی امان با ستمگران و فاسدان، رسیدن اقشار ضعیف به اصول والا و ارزش های متعالی، واژگونی بنیادهای ستم و بیدادگری های فردی و اجتماعی طاغوتیان، انقلاب علمی، فکری و شکوفایی عقول انسانی، فرهنگ سازی جامع و ترویج و تثبیت ارزش های اخلاقی همچنین ساختار حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن عبارت است از حاکمیت واحد، ولایت ولی (رهبری)، کارگزاران و حاکمان و والیان. نام حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک دولت کریمه، صالحان، مستضعفان و حق، خواهد بود.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۱ش)، *اعتقادات*، ترجمه: محمد علی بن سید محمد الحسنی، تهران: اسلامیه.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۶ش)، *کمال الدین و تمام النعمه*، ترجمه: منصور پهلوان، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، پنجم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا)، *علل الشرایع*، قم: چاپ افست.
۴. ابن حنبل، احمد (۱۴۱۶ق)، *مسند*، بیروت: مؤسسه الرساله.
۵. ابن منظور الانصاری، جمال الدین (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
۶. احمدی میانجی، علی (۱۴۱۹ق)، *مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله*، قم: دارالحديث.
۷. امین، محسن (۱۴۰۳ق)، *نقض الوشیعة او الشیعة بین الحقائق والأوهام*، بیروت: بی نا.

۸. بحرانی، سیدهاشم (۱۱۰۷ق)، *حلیة الابرار فی احوال محمد صلی الله علیه و آله و آله الاطهار علیهم السلام*، بی جا: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۹. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳ش)، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم: بی نا.
۱۰. بستانی، فواد افرام (۱۳۹۲ش)، *المعجم الوسیط*، بی جا: اسلامی.
۱۱. جعفریان، رسول (۱۳۸۷ش)، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، تهران: انصاریان.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، *امام مهدی علیه السلام موجود موعود*، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۳. حائری، سیدکاظم (۱۳۶۴ش)، *بنیان حکومت اسلامی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. حرّ عاملی، محمد بن الحسن بن علی بن محمد (۱۳۸۸ق)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۱۵. حرّ عاملی، محمد بن الحسن بن علی بن محمد (۱۴۲۵ق)، *اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۶. حرانی، ابن شعبه (۱۴۲۵ق)، *تحف العقول عن آل الرسول*، قم: غفاری.
۱۷. حسینی همدانی، محمد (۱۳۷۳ش)، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تصحیح و تنظیم: مهدی انصاری، قم: قاموس.
۱۸. حکیمی، سید محمد (بی تا)، *عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام*، قم: بوستان کتاب.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات فی غریب القرآن*، سوریه: دارالعلم.
۲۰. زبیدی، مرتضی (۱۳۸۶ش)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دار الدایه.
۲۱. زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۴۱۷ق)، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، حقیقه و اعتنی: فواز احمد زمرلی، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۲. سبجانی، جعفر (۱۴۱۲ق)، *الالهیات علی هدی کتاب و السنه و العقل*، به قلم: حسن محمد مکی عاملی، قم: بی نا.
۲۳. سلیمان، کامل (۱۴۰۷ق)، *روزگار رهایی*، ترجمه: علی اکبر مهدی پور، تهران: نشر آفاق.
۲۴. شاطر، محمد مصطفی (۱۳۵۵ق)، *القول السدید فی حکم ترجمه القرآن المعجید*، قاهره: بی نا.
۲۵. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۷۷ش)، *منتخب الاثر فی الامام ثانی عشر*، قم: انتشارات مکتبه آیه الله العظمی الصافی گلپایگانی.

۲۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۱ش)، امامت و مهدویت، قم: مؤسسه انتشارات حضرت مهدی.
۲۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۴۱ش)، «ولایت و زعامت»، در بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۲ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب العلمیه.
۲۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۲ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات خورشید، پنجم.
۳۰. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ق)، المعجم الاوسط، بیروت: دارالحرمین للطباعة و النشر و التوزیع.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. طبسی، نجم‌الدین (۱۳۸۰ش)، چشم‌اندازی به حکومت مهدی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الامالی، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه، قم: دارالثقافه.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. ظریفیان شفیعی، غلامرضا (۱۳۷۶ش)، دین و دولت در اسلام، بی‌جا: انتشارات میراث ملل، اول.
۳۶. عبده، شیخ محمد (۱۹۷۶م)، تفسیر المنار، تالیف: محمد رشیدرضا، مصر: المنار.
۳۷. عسکری، ابی هلال (۱۴۱۵ق)، فروغ اللغویه، بیروت: بی‌نا.
۳۸. غزالی، محمد بن محمد (۱۴۲۰ق)، جواهر القرآن، دمشق: المركز العربی للكتاب.
۳۹. فتحعلی، محمود (۱۳۸۳ش)، مبانی اندیشه اسلامی، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۴۰. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق)، اصول‌الدین و هو الکتاب المسمی معالم اصول‌الدین، بیروت: طه عبدالرؤف سعد.
۴۱. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۱۱ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۴۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۵ش)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۴۳. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (بی تا)، *ینابیع الموده*، قم: دارالاسوه.
۴۴. کارگر، رحیم (۱۳۸۳ش)، *آینده جهان*، قم: بنیاد فرهنگی مهدی موعود، اول.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵ش)، *اصول کافی*، قم: اسوه.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *اصول کافی*، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۸ق)، *اصول کافی*، ترجمه: جواد مصطفوی، قم: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
۴۸. کورانی، علی (۱۴۲۸ق)، *معجم احادیث الامام مهدی*، قم: مسجد مقدس جمکران.
۴۹. گرجی، علی اکبر (۱۳۸۸ش)، *مبانی حقوق عمومی*، تهران: انتشارات جنگل، اول.
۵۰. ماوردی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۹ق)، *الاحکام السلطانیة والولايات الدینیة*، بغداد: بی نا.
۵۱. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۹ش)، *مهدی موعود*، ترجمه: حسن بن محمدولی ارومیه‌ای، قم: مسجد مقدس جمکران.
۵۲. مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۶ش)، *بحار الانوار*، بی جا: بی نا.
۵۳. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق)، *قواعد فقه*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۵۴. مراغی، محمد مصطفی (۱۴۰۱ق)، *بحث فی ترجمه القرآن واحکامها*، قدم له: صلاح الدین المنجد، بیروت: دارالکتب الجدید.
۵۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۵ش)، *حکومت اسلامی و ولایت فقیه*، قم: انتشارات راه حق.
۵۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴ش)، *قیام و انقلاب مهدی*، تهران: نشر صدرا، پانزدهم.
۵۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹ش)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، قم: صدرا، هفدهم.
۵۸. معین، محمد (۱۳۸۳ش)، *فرهنگ لغت*، تهران: امیرکبیر.
۵۹. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، قم: چاپ مجتبی عراقی، علی پناه اشتهااردی و حسین یزدی اصفهانی.
۶۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶ش)، *حکومت جهانی مهدی علیه السلام*، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۶۲. منتظری، حسینعلی (۱۳۶۲ش)، *البدر الزاهر فی صلاة الجمعة والمسافر*، قم: تقریرات درس

- آیت الله بروجردی .
۶۳. منتظری، حسینعلی (۱۳۷۹ ش)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، ترجمه: محمود صلواتی، تهران: چاپخانه سرایی .
۶۴. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۸ ق)، *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة*، قم: بی نا .
۶۵. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۵۷ ش)، *ولایت فقیه حکومت اسلامی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه .
۶۶. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۵۵ ش)، *صحیفه نور*، تهران: انتشارات اسلامی .
۶۷. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹ ش)، *کتاب البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه .
۶۸. موسوی خلخالی، محمد مهدی (۱۳۷۷ ش)، *شریعت و حکومت*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی .
۶۹. نائینی، محمد حسین (۱۳۵۸ ش)، *تنبییه الامة و تنزیه الملة (با توضیحات آیت الله طالقانی)*، تهران: شرکت سهامی انتشار، پنجم .
۷۰. نائینی، محمد حسین (۱۳۸۲ ش)، *تنبییه الامة و تنزیه الملة*، قم: چاپ جواد ورعی .
۷۱. نجاتی، محمد عثمان (۱۳۶۷ ش)، *قرآن و روان شناسی*، ترجمه: عباس عرب، مشهد: آستان قدس رضوی .
۷۲. نجفی، محمد حسن بن باقر (۱۹۸۱ م)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی .
۷۳. نصر، سید حسین (۱۳۸۰ ش)، *معرفت و معنویت*، ترجمه: انشاء الله رحمتی، تهران: نشر سهروردی .
۷۴. نظیف، هادی طحان (۱۳۹۷ ق)، *پژوهش نامه حقوق اسلامی*، بی جا: بی نا .
۷۵. نعمان، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ق)، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول .
۷۶. نعمانی، ابو عبد الله محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ ق)، *الغیبه*، تهران: نشر صدوق .
۷۷. واعظی، احمد (۱۳۸۰ ش)، *حکومت اسلامی*، قم: لشکر هفده علی بن ابی طالب علیهم السلام .
۷۸. همدانی، فاضل خان (بی تا)، *کتاب مقدس، مجموعه کتاب های عهد عتیق (تورات) و عهد جدید (انجیل)*، بی جا: انتشارات اساطیر .

